

## تاملی در روند حقوق مطبوعات

دکتر سید محمود علوی\*

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

### چکیده

تأثیرگذاری رسانه‌های جمعی - نوشتاری، دیداری و شنیداری - در عرصه‌های گوناگون از جمله افکار عمومی و فرهنگ جامعه تردیدناپذیر است. بی حد و مرز بودن عرصه فعالیت رسانه‌ها، آفت‌هایی را به همراه داشته و آسیب‌هایی را متوجه افراد و جامعه می‌نماید. محدودیت بیش از حد رسانه‌ها نیز جریان آزاد و منطقی اطلاعات و اثرگذاری سازنده آن‌ها را مختل می‌سازد. پس وضع مقرراتی که هم حقوق عادلانه رسانه‌ها را تأمین و هم مسئولیت، حدود، تخلف‌ها و جرایم رسانه‌ای و مجازات‌های آن‌ها را مشخص نماید، ضرورتی انکارناپذیر داشته و در کشور ما و سایر کشورها به آن توجه

شده است و حاصل آن وضع قوانینی متعادل و تغییرهای پیاپی آن‌ها بوده که آگاهی از آن‌ها برای اصحاب رسانه و افراد جامعه سودمند به نظر می‌رسد.

**واژه‌های کلیدی:** خبرگزاری‌ها، رسانه‌های جمعی، قانون مطبوعات، مطبوعات.

### مقدمه

رسانه ابزاری است که اندیشه یا مطلبی را از فرد یا افرادی به شخص یا کسانی دیگر به صورت همزمان یا غیرهمزمان منتقل می‌کند و به عبارت دیگر ارتباط بین افراد را برقرار می‌کند. رسانه‌ها گاه ارتباط فرد با فرد را برقرار می‌کنند، همانند تلفن، تلگراف و پست<sup>۱</sup> و گاه ارتباط را با جمع برقرار می‌کنند و مخاطب آن‌ها جمعی از انسان‌ها<sup>۲</sup> می‌باشند که به همین جهت وسایل ارتباط جمعی یا رسانه‌های گروهی<sup>۳</sup> نامیده می‌شوند، مانند: مطبوعات، کتاب، رسانه‌های چاپی<sup>۴</sup>، رادیو، تلویزیون و سایت یا رسانه‌های الکترونیک.<sup>۵</sup>

از آنجا که رسانه‌ها از همان آغاز فعالیت خود، به ویژه رسانه‌های جمعی در عرصه‌های مهمی اثرگذار بوده‌اند، - ۱- شکل‌گیری و جهت‌دهی افکار عمومی که خود بر تصمیم‌گیری متصدیان اثرگذار است، - ۲- فرایند نقل و انتقال قدرت، - ۳- چهره‌سازی هدفمند افراد، - ۴- تخریب هدفمند چهره‌ها، - ۵- فرهنگ‌سازی در جوامع به ویژه کودکان و نوجوانان در عرصه خشونت کودکان و یا مهرورزی آنان، اشرافیت‌گرایی، الگوی مصرف و - تبعیت آن‌ها از یک نظام حقوقی، ضروری شناخته شده و برای نظام مندرکدن فعالیت آن‌ها توسط مراجع قانون‌گذاری، مقرراتی وضع شده است.

۱) Interpersonal communication

۲) mass communication

۳) Mass media

۴) Print media

۵) Electronic media

مقررات حقوقی ارتباط فردی مانند: تلگراف، تلفن و ... فرد محور و از مقوله حمل و نقل و نوعاً مبتنی بر اصولی مانند: برابری همگانی، رعایت تقدم مراجعان، محرمانه بودن پیام‌ها، مکاتبه‌ها و مکالمه‌ها و... می‌باشند. ولی مقررات حقوقی وسایل ارتباط جمعی از مقوله ارتباطی فرهنگی و نوعاً مبتنی بر اصولی مانند: آزادی انتشار اطلاعات و اخبار و ممنوعیت سانسور و... می‌باشند و در آن‌ها حقوق و مبنای حقوقی و تعهدات رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی و عواقب تخلف آن‌ها از تعهدات و یا تضییع حقوق آن‌ها توسط مقامات بیان شده است.

صرف نظر از قوانینی که در رابطه با وسایل ارتباط میان فردی - تلفن و تلگراف و پست - وضع شده است که از موضوع این مقاله خارجند، قوانین رسانه‌های جمعی، برد و محور رسانه‌های چاپی (مطبوعات و کتاب) و رسانه‌های الکترونیکی (رادیو و تلویزیون) می‌چرخد و سایتها و وبلاگها (رسانه‌های سایبری و مجازی) هنوز در قالب یکی از آن دو و یا موضوعی جدا برای قانون گذاری در نیامده‌اند، هرچند در حال حاضر تنها یک تبصره (تبصره ۳ ماده ۱) در قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی، مقررات حاکم بر مطبوعات را به سایتها تسری داده است. (روزنامه رسمی، ۱۳۸۰: ۲۵۷)

رسانه‌های چاپی در معنای فراگیر خود، هم شامل نشریه‌های مسلسل با یک نام و انتشار به صورت هفتگی و یا ماهانه و... می‌شود که هم اکنون با عنوان «مطبوعات» از آن‌ها یاد می‌شود می‌باشد و هم شامل نشریاتی که تنها با یک نام و با یک محتوا و یک یا چندبار چاپ می‌شوند و با عنوان «کتاب» از آن‌ها یاد می‌شود - و در واقع ماندگارترین رسانه است - می‌باشد. ولی آنچه در حقوق رسانه‌های چاپی و مقررات مطبوعات بدان پرداخته می‌شود، همان رسانه‌های چاپی از نوع اول، یعنی مطبوعات به معنای متعارف امروزی آن است که خود تاریخچه ویژه دارد.

## روش بررسی

در این پژوهش با استفاده از روش اسنادی به بررسی منابع، مدارک، قواین و مستندات مرتبط با مطبوعات پرداخته شده است.

## روند مطبوعات

در آغاز قرن پانزدهم، رواج بانکداری در آلمان، باعث توجه به نشریات پیاپی و مسلسل و خبررسانی شده و در اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم با توسعه صنعت چاپ، مطبوعات نیز توسعه یافته و سپس به صورت سالنامه، ماهنامه، هفته نامه و سرانجام روزنامه‌ها سامان گرفتند. (معمدنژاد، ۱۳۷۹: ۶۲، ۶۳، ۶۷)

اما در ایران نخستین نشریه در زمان عباس میرزا و قائم مقام فراهانی توسط میرزا صالح شیرازی در سال ۱۲۵۲ هـ.ق انتشار یافت (قاسمی، ۱۳۷۲: ۹) و چندی بعد، روزنامه وقایع اتفاقیه هم توسط امیرکبیر منتشر شد.

در دوران سلطنت پنجاه ساله ناصرالدین شاه با شکل گیری هسته‌های روشنفکری و تا زمان مشروطیت، نشریاتی همچون: نشریه ملی، وطن، طلوع و ... پا گرفتند و به دنبال آن برای نظارت بر مطبوعات، از سوی دولت "دارالانطباعات" تأسیس و سانسور در ایران متولد شد. (قاسمی، ۱۳۸۱: ۱۸). در سال ۱۲۵۰ هـ.ق در روزنامه دولت اعلام شد که صنایع الملک بر کلیه چاپخانه‌ها سرپرستی خواهد داشت تا از انتشار کتابها و آثار چاپی مضر اخلاق عمومی و فاسدکننده جلوگیری نماید (محیط طباطبایی، ۱۳۷۵: ۴۷).

چندی بعد در سال ۱۲۸۰ هـ.ق به دستور ناصرالدین شاه، اداره مطبوعات داخلی در وزارت علوم تأسیس شد و در سال ۱۲۹۶ هـ.ق به دستور ناصرالدین شاه، کتابچه قانون مطبوعات توسط کنت دومونت فرت ایتالیایی تدوین شد. (که چون منحصرأ به تخلفات مطبوعات و مجازات آنها پرداخته بود، به کتابچه قانون جزا معروف شد) و

در سال ۱۲۹۸ هـ ق توسط شاه تصویب و ابلاغ گردید (اسماعیلی، ۱۳۸۲: ۲۹، ۳۰، ۳۱).

با پیروزی جنبش مشروطیت در سال ۱۲۸۵ هـ ش (۱۳۲۴ هـ ق)، انحصار دولت در هم شکسته و زمینه تنویر افکار مردم برای مطبوعات فراهم گردید و مطبوعات غالباً با رویکردی انتقادی، سیاسی و اجتماعی پا به صحنه گذاشتند که در رأس آنها از صوراسرافیل به مدیریت میرزاجهانگیرخان صوراسرافیل می‌توان نام برد (قاسمی، ۱۳۸۱: ۱۹).

پس از پیروزی جنبش مشروطیت و باتوجه به نقش مطبوعات در جنبش، در تدوین قانون اساسی با وسعت نظر به مطبوعات نگریسته شده و در اصل ۲۰ تصویب شد که: «عامه مطبوعات» غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین، آزاد و ممیزی در آنها ممنوع می‌باشد، و هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود نشردهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود، ولی اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد، ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند (قانون اساسی، ۱۳۴۲: ۵۶).

فضای حاکم بر مطبوعات و عدم رعایت حد و مرزی در بیان مطالب و در نتیجه حاکمیت نوعی هرج و مرج مطبوعاتی، حساسیت ارکان حکومت را نسبت به مطبوعات برانگیخته و در همان سالهای آغاز به کار مجلس شورای ملی، بررسی نخستین قانون مطبوعات در دستور کار مجلس قرار گرفت و در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۲۸۶ شمسی برابر با پنجم محرم الحرام ۱۳۲۶ قمری، به تصویب رسید و جامعه مطبوعاتی ایران، دارای قانون ویژه شد (مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره، بی تا: ۲۵۷).

این قانون که شامل مقدمه، ۶ فصل و ۵۲ ماده بود، مفصل ترین قانون مطبوعات است که تاکنون به تصویب رسیده است. واژه مطبوعات در این قانون به معنای لغوی آن به کار گرفته شده و ناظر بر هر چیزی بود که زیر دستگاه چاپ می‌رود، خواه کتاب

یا اعلامیه و یا نشریاتی که بعدها واژه مطبوعات منحصرأ بر آن‌ها اطلاق گردید و در این قانون از آن‌ها با عنوان روزنامه جات مقررہ یاد می‌شود.

در این قانون، وظایف چاپخانه و کتابفروشی‌ها نیز بیان شده و برای هر روزنامه و جریده، در ماده ۶ یک مدیرمسئول با سه ویژگی ایرانی بودن، دست کم سن ۳۰ سال و عدم زوال شرف (یعنی مرتکب جنحه و جنایات و مشهور به فسق و فساد و عقیده نباشد) منظور شده است. این قانون که تحت تأثیر قانون مطبوعات ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ فرانسه تدوین و به تصویب رسیده است، به جای الزام به اخذ مجوز، تسلیم اظهارنامه توسط مدیر جریده با ذکر ویژگی‌های نشریه، به وزارت انطباعات را بیان کرده است (اسماعیلی، ۱۳۸۲: ۳۴) و در سایر موارد موظف بودن جریده به چاپ جوابیه اشخاص حقیقی و حقوقی دوبرابر مطلب، الزام به درج اعلانات رسمی، روزنامه جات خارجه، اعلانات، رنگ سفید برای اعلانات دولتی و کاغذ رنگین برای سایر اعلانات، تحصیل پته از کدخدای محل برای فروش روزنامه‌ها، تخلفات مطبوعاتی و مجازات آن‌ها و مواردی که مأمورین وزارت معارف مجاز به توقیف روزنامه و جرایم می‌باشند و نیز ارجاع به محکمه بیان شده است (مجلس شورای ملی، بی تا، مجموعه مصوبات چهاردوره: ۲۵۷).

باتوجه به محدودیت‌های نسبتاً زیادی که در این قانون برای مطبوعات منظور شده بود، مطبوعاتی که در فضای انقلاب مشروطیت و ضعف دولت، از آزادی بی حد و حصری بهره می‌بردند، در برابر این قانون واکنش نشان داده و به نقد و مقابله با آن پرداختند و جنجال مطبوعاتی و بداخلاقی مطبوعات همچنان استمرار یافت و مطبوعات وابسته به حزب‌ها و جمعیت‌ها و جریان‌های سیاسی گوناگون، به سان توپخانه‌ای علیه یکدیگر آتش می‌گشودند، تا جایی که هریک آزادی را برای خود پسندیده، ولی آزادی مطبوعات مقابل را برنمی‌تابیدند و برخی نسبت به اسلام و پیامبر اکرم (ص) و روحانیت هتاکی را به اوج رسانده بودند (حسینیان، ۱۳۸۷: ۳۰۸).

از سوی دیگر، شیخ فضل الله نوری، به اصل ۲۰ قانون اساسی و نیز قانون مطبوعات معترض بود که طبق آن «عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین آزاد است» و شیخ می گفت: «به موجب این ماده، بسیاری از محرّمات ضرورالحرمه، تحلیل شد، زیرا که مستثنی فقط دو امر شد و حال آنکه یکی از محرّمات ضروریّه افتراست و یکی از محرّمات مسلمّه غیبت از مسلم است و همچنین قذف مسلم، ایذاء و سبّ و فحش و توهین و تخویف و تهدید و نحو آن من الممنوعات الشرعیه و المحرّمات الإلهیه، آزادی این امور، آیا غیر از تحلیل ما حرّمه الله است.» (حسینیان، ۱۳۸۷: ۲-۳۲۱)

همان گونه که نوری پیش بینی کرده بود، روزنامه‌های نوظهور چنان فضایی آفریدند که هیچ حدّ و مرزی و خطّ قرمزی باقی نمانده بود.<sup>۱</sup> مطبوعات در حمله به محمدعلی شاه نیز کار را به آنجا کشاندند که از مادرش به بدکارگی یاد کردند که به شکایت محمدعلی شاه از روزنامه مساوات به عدلیه انجامید و مدیرمسئول روزنامه در برابر إحضار دادگاه دست به تهیّه طوماری زد و از کسانی که درباره بدکاره بودن أم الخاقان مادر شاه، اطلاع داشتند، خواست گواهی کنند (کسروی، ۱۳۴۴، بخش دوّم: ۵۷۲).

محمدعلی شاه که بنا بر خوی استبدادی‌اش به دنبال حکومتی مطلق بود، بهانه لازم را برای کوبیدن مشروطه از مطبوعات بدست آورد<sup>۲</sup> و با به ثوب بستن مجلس

۱- شیخ در پاسخ سیدمحمدطباطبایی که شما چه می گویند؟ از جمله می گوید: ... (آیا) آزادی قلم و زبان برای این است که جراید آزاد نسبت به ائمه اطهار هرچه می خواهند بنویسند؟ در این موقع شیخ دست بُرد از زیر کتابی، یک ورقه روزنامه درآورد، به دست آقای طباطبایی داد... (وی) با صدای بلند بناکرد به خواندن، تا به مرور به مطالب ائمه اطهار و به خصوص به حضرت سیدالشهداء و حضرت ابوالفضل رسید (موضوع این بود): «شما مردمان نادان چرا اینقدر اعتقاد به این اشخاص دارید که در ۱۳۰۰ سال قبل، به یزیدبن معاویه یاغی شده، قشون فرستاد، خود و همراهانش را کشتند، حالا این مردم روضه خوانی نمایند...» آقای طباطبایی که این روزنامه را خواند، یک مرتبه بی اختیار به گریه درآمد... شیخ: جریده آزاد را خواندید؟ والله اگر امروز ما جلوی این جراید را نگیریم مورد مؤاخذه و قهر خدا و رسولش خواهیم بود... (ترکمان، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۲-۲۰۹)

در ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ قمری برخوردارش با مشروطه را علنی کرد و دوره‌ای با نام استبداد صغیر آغاز شد. اما سرانجام با تلاش همه متدینین آزادیخواه و نیز فرصت طلبانی که با موج مشروطه همراه شده بودند روز ۲۵ جمادی الثانی ۱۳۲۷، نیروهای آزادیخواه وارد تهران شده و محمدعلی شاه به سفارت روس پناهنده و مشروطه مجدداً به پیروزی رسید و بر پا شد.

در دوره فترت (۱۳۲۶ تا ۱۳۲۷) فشار سنگینی بر مطبوعات وارد شد و انتشار روزنامه منوط به اجازه هیئت وزیران گردید. هیئت وزیران به صدارت محمدعلی علاءالسلطنه تصویب کرد که: «از این تاریخ اشخاصی که امتیاز روزنامه از وزارت معارف می‌خواهند، باید اجازه آن به تصویب هیئت وزیران عظام رسیده باشد و نیز کلیه امتیازاتی که قبل از تشکیل کابینه حاضر، از طرف وزارت معارف داده شده و تاکنون إشاعه نیافته، توقیف و موقوف به اجازه هیئت وزیران خواهد بود.» (اسماعیلی، ۱۳۸۲: ۳۴ و ۳۵)

این فشار با فتح تهران و عزل محمدعلی شاه و پادشاهی احمدشاه درهم شکست و بار دیگر مطبوعات همان روند را پی گرفتند<sup>۲</sup> ترور سیدعبدالله بهبهانی و خانه نشینی سیدمحمدطباطبایی دو مجتهد پیشکسوت مشروطه، فضا را ملتهب تر ساخت، اضافه بر این که لشکرکشی مطبوعات که بازتابی از کشمکش‌های جریان‌های سیاسی بود، به ناپایداری سیاسی و سقوط پی در پی دولت‌ها انجامید (بهار، ۱۳۵۷: ۱۵۹) و در نتیجه به ناتوانی دولت‌ها در تأمین امنیت جامعه انجامید و امنیت به مهمترین خواسته جامعه تبدیل شد و کسی که قادر به تأمین آن می‌شد به عنوان فرشته نجات تلقی می‌شد، گرچه در قالب استبدادی خشن آن را برقرار نماید و آزادی اصالت خود را در خواسته‌های مردم از دست داد و این چنین زمینه برای دیکتاتوری فراهم شد.

۱ - هر چند اگر مطبوعات هم بهانه بدست محمدعلی شاه نمی‌دادند او دیر یا زود با مشروطه برخورد جدی می‌کرد. شاید بتوان گفت این بهانه‌جویی‌ها برخورد را سرعت بخشید.

۲ - می‌توان به نقش مطبوعات در اعدام شیخ فضل‌الله اشاره کرد.



در چنین شرایطی با رهبری سید ضیاء طباطبایی و مباشرت رضاخان میرپنج، فرمانده لشکر قزاق، کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ رخ داد و بسیاری از رجال سیاسی دستگیر شده، قریب به اتفاق مطبوعات به جز روزنامه ایران ملک الشعراء بهار تعطیل شدند (بهار، ۱۳۵۷: ۸۷ تا ۹۱).

در سالگرد کودتا مطبوعات جنجالی برپا کرده و مسبب کودتا را جستجو می‌کردند که رضاخان (وزیر جنگ) طی اعلامیه ۳ اسفند ۱۳۰۰ اعلام کرد: «عجب است که با بودن من مردم درصددند که مسبب کودتا را به دست آورند، مسبب کودتا منم» (بهار، ۱۳۵۷: ۱۳۰) و به نقل دیگر: «بی جهت اشتباه نکنید و از راه غلط مسبب کودتا را تجسس ننمایید با کمال افتخار و شرفمی‌گویم که مسبب کودتا منم» (ذاکر حسین، ۱۳۶۸: ۸۶).

مطبوعات در برابر این اعلامیه واکنش نشان دادند و رضاخان اعلامیه ۱۷ اسفند ۱۳۰۰ را صادر و در ضمن آن اعلام کرد که: «قلم مخالفین را می‌شکنم و زبان می‌بُرم» (ذاکر حسین، ۱۳۶۸: ۷۶) این اعلامیه نیز با اعتراض مطبوعات مواجه و نویسندگان در سفارت روسیه متحصن شدند و موج اعتراض مطبوعات سبب ضرب و شتم فلسفی مدیر حیات جاوید، حسین صبا مدیر ستاره ایران و هاشم خان محیط مدیر روزنامه وطن گردید. (بهار، ۱۳۵۷: ۲۲۸) به دنبال آن مدرس در مجلس طی نطقی به اختیار مجلس در خصوص عزل وزیر اشاره کرد که باعث تحرک مجلد مطبوعات و استعفای سردار سپه (رضاخان) گردید. (قاسمی، ۱۳۸۱: ۲۳).

پس از درخواست ولیعهد و قوام و حضور رضاخان در مجلس و نطق و تعهد او و بازگشت به کار، این بار وی به تأثیر اهل قلم پی برده و با فراکسیون سوسیالیست‌ها همدست شده و مطبوعات وابسته به آنها همچون تجلّد، ناهید، گلشن و کوشش به هتّاکی پرداختند که منجر به واکنش علماء و روحانیون و تعطیلی بازار شد و مدیر روزنامه پژوهش را مهدورالدم اعدام کردند. (بهار، ۱۳۵۷: ۲۳۹ و ۲۴۰ و ۲۴۶ و ۲۵۳ و ۲۵۴ و ۲۵۵) و در نهایت نماینده علماء در وزارت معارف برای نظارت بر مسائل

مربوط به مذهب مستقر گردید و قانون موقت «هیئت منصفین» در چهار ماده در ۱۰ قوس ۱۳۰۱ به تصویب مجلس رسید. (بهار، ۱۳۵۷: ۲۵۸ و ۲۵۹).

دوران نخست وزیری و سپس سلطنت رضاخان همراه با فشار روزافزون بر جراید و ترور برخی از مدیران همچون میرزاده عشقی مدیر روزنامه فکاهی قرن بیستم و تنگتر شدن روز به روز حلقه سانسور و عدم جرأت انتقاد از حکومت و واگذاری نظارت بر مطبوعات به شهربانی و الزام مطبوعات به کسب اجازه از اداره بازرسی مطبوعات برای درج هر مطلب و توقیف بسیاری از جراید به کمترین بهانه، از جمله درج شعر یا حدیثی که بوی مخالفت بدهد، بود. در این برهه از زمان چون مطبوعات مخالف، توقیف و سایرین در صورت اقدام ناخوشایند حکومت با برخورد شدید مواجه می شدند، دیگر نیازی به تصویب مقررات برای کنترل و اعمال مدیریت بر مطبوعات احساس نمی شد تا چیز قابل ذکری در رابطه با مطبوعات در مجالس فرمایشی تا سال ۱۳۲۰ و پایان سلطنت رضاشاه به تصویب برسد و در سیر تاریخی حقوق مطبوعات در ایران به ثبت برسد، ولی با فروپاشی قدرت رضاشاه و ضعف دولت در شرایط اشغال نظامی کشور توسط متفقین، فضای سیاسی کشور برای فعالیت آزادانه مطبوعات باز شد و ۲۶۸۲ روزنامه و نشریه جدید پا به عرصه وجود گذاشتند، که این عدد ۳۹ برابر نشریات دوره اول مطبوعات<sup>۱</sup> و ۵/۵ برابر دوره دوم<sup>۲</sup> و ۴ برابر دوره سوم<sup>۳</sup> مطبوعات بوده است (برزین، ۱۳۷۰: ۱۹ و ۲۰) که البته توسعه صنعت چاپ را نیز باید از عوامل اثرگذار به حساب آورد.

نظر به اینکه سمت و سوی بسیاری از جراید، با منافع متنفذین داخلی یا خارجی در تضاد بود، با لغو امتیاز، توقیف، جریمه و امثال آن مواجه می شدند و در نتیجه مطبوعات برای اطمینان از تداوم کار خود، سیاست جانشینی مطبوعات را در پیش

۱- سالهای ۱۲۱۵ سال انتشار نخستین روزنامه تا سال ۱۲۸۵ سال استقرار مشروطیت و طرح قانون مطبوعات

۲- سالهای ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۰ دولت کودتا

۳- سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰

گرفته و با کسب امتیازهای متعدّد با نام‌های متفاوت توسط احزاب، دسته‌های خاص و یا اشخاص، نشریه توقیف شده، با همان سبک و سیاق ولی با نام و عنوان جدید انتشار می‌یافت و این خود باعث اطمینان ارباب مطبوعات از ادامه کار و خشونت نوشتاری و محیط نامساعد در عرصه قلم و در نتیجه مقابله دولت و جلوگیری از انتقال روزنامه به وسیله فرمانداری نظامی تهران شد و در پی آن روزنامه‌های قانون، نوروز ایران، دنیای امروز، مظفر، سلحشور و جبهه، جانشینان روزنامه‌های توقیفی هور، داد، ایران ما، داریا، کیهان و شفق توقیف شدند.

در همین دوره نشریات شهرستانی در اصفهان، شیراز، رشت، همدان و خراسان نیز فعالیت بارزی داشته و با نشریات تهران تعامل و تبادل داشته‌اند (قاسمی، ۱۳۸۱: ۳۰ و ۳۱)

در همین دوره در سال ۱۳۲۱ در دولت احمد قوام، ماده ۶ قانون مطبوعات اصلاح و به شرایط مدیرمسئول، شرط داشتن تمکن مالی و سرمایه علمی و اخلاقی افزوده شد و تصدیق و تأیید این صلاحیت بر عهده شورای عالی فرهنگ قرار گرفت (مجموعه قوانین موضوعه و مسائل مصوبه دوره سیزدهم قانونگذاری، ۱۳۲۳: ۵۱)، و به نحوی نظام أخذ مجوز جای اظهارنامه را گرفت.

از سال ۱۳۲۱ تا ۱۵ بهمن ۱۳۳۱ تغییر چندانی در قانون مطبوعات دیده نمی‌شود، ولی در ۱۵ بهمن ۱۳۳۱، دکتر مصلّق بر مبنای اختیار قانونگذاری موقت که از مجلس هفدهم دریافت شده بود (مجموعه قوانین دوره ۱۷، ۱۳۳۸: ۱-۳) اقدام به تدوین و تصویب قانون مطبوعات نمود، ولی چون توسط فرد و با اختیار قانونگذاری تصویب شده و نه توسط قوه مقننه، لایحه قانونی نامیده می‌شود، نه قانون مطبوعات.

این لایحه مشتمل بر ۵ فصل، ۴۶ ماده و ۱۱ تبصره می‌باشد، فصول این قانون عبارتند از: ۱- تعریف و تأسیس روزنامه و مجله، ۲- حق جوابگویی - آیین نامه‌های مطبوعاتی، ۳- جرایم مطبوعاتی، ۴- تخلفات، ۵- دادرسی مطبوعات و هیئت منصفه.

تفاوت‌های عمده این قانون با قانون مطبوعات ۱۲۸۶/۱۱/۱۸ (مجلس اول مشروطه) در نکات زیر می‌باشد: ۱- واژه مطبوعات در این قانون به معنای مصطلح و متعارف آن (یعنی روزنامه جات مقررّه به تعبیر قانون اول) به کار رفته و شامل کتاب و اعلانات نمی‌باشد. (ماده ۱)

۲- برای انتشار روزنامه یا مجله، کسب اجازه از وزارت کشور را لازم دانسته است. (ماده ۲)

۳- اضافه بر مدیرمسئول، داشتن سردبیر جداگانه را تجویز کرده است. (ماده ۷)

۴- هیئتی برای رسیدگی به درخواستهای مجوز، پیش بینی کرده است. (ماده ۵)

۵- توهین به مقامات و کارکنان کشوری (مسئولین قوای مجریه، مقننه و قضائیه) و لشکری به عنوان جرم عمومی تلقی و رسیدگی به آنها نیاز به شاکی نخواهد داشت. (ماده ۲۵)

۶- سیاست جایگزینی نشریات را که از ویژگی‌های مطبوعات در دهه ۲۰ بوده، ممنوع شد. (ماده ۲۷ و تبصره ماده ۴۲)

۷- صدور بیش از یک مجوز به یک فرد منع شده. (تبصره ۲ ماده ۵)

۸- ارسال یک نسخه از نشریه به دادستانی و سکوت در مورد ارسال دونسخه به

کتابخانه ملی که در ماده ۵ قانون اول پیش بینی شده بود. (تبصره ماده ۸)

این لایحه قانونی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مبنای عمل قرار گرفت، ولی در جریان اختلافات داخلی دکتر مصدق و آیت الله کاشانی، بار دیگر فضای مطبوعاتی به بداخلاقی و هدف قراردادن حیثیت رجال سیاسی گرایید تا آنجا که در روزنامه شورش به مدیریت کریم پورشیرازی، عکس آیت الله کاشانی که عمری به مبارزه با استعمار انگلیس در عراق و ایران سپری کرده بود، با عمامه به نقش پرچم انگلیس چاپ گردید (حسینیان، ۱۳۸۷: ۲۴۷) و هرج و مرج مطبوعاتی در این دوره را به جرأت می‌توان یکی از عوامل زمینه ساز کودتای ننگین ۲۸ مرداد تلقی نمود.

پس از کودتا که مصوبات دکتر مصدق به استناد اختیارات ویژه از مجلس، طی یک مصوبه توسط مجلس هجدهم در تاریخ ۱۳۳۳/۸/۱۸ کلاً ابطال گردید، لایحه قانونی مطبوعات نیز جزء آن‌ها باطل شد. (مجموعه قوانین دوره هفدهم، ۱۳۳۸: ۱ پاورقی).

با الغای این لایحه، عرصه مطبوعات فاقد قانون شد و مدیریت فضای مطبوعاتی و نحوه برخورد با مطبوعات برای دولت با خلأ قانونی مواجه گردید و برای رفع این نقیصه، کمیسیونی متشکل از نمایندگان مجلسین سنا و شورای ملی، مأمور تدوین قانون مطبوعات شدند و در نهایت نتیجه کار این کمیسیون روز دهم مرداد ۱۳۳۴ به تصویب رسید (مصوبات کمیسیونهای مشترک مجلسین، بی تا: ۲۰۱۴ و ۲۰۳۱) و چون مصوبه قوه مقننه نبود و توسط کمیسیونی با اختیاراتی از قوه مقننه به تصویب رسیده بود، این مصوبه نیز به عنوان لایحه قانونی مطبوعات و نه قانون مطبوعات نامیده شد.

این قانون مشتمل بر ۵ فصل، ۴۲ ماده و ۲۲ تبصره می‌باشد و عناوین فصول آن به این ترتیب می‌باشد: ۱- تعریف و تأسیس روزنامه و مجله، ۲- حق جوابگویی، آیین نامه‌های مطبوعاتی، ۳- جرایم، ۴- تخلفات، ۵- دادرسی مطبوعات، هیئت منصفه.

عمده تفاوت‌های این لایحه قانونی با لایحه قانونی دکتر مصدق:

۱- ضمن تأیید صدور فقط یک امتیاز به یک شخص همانند لایحه قانونی ۱۳۳۱، به صاحبان امتیاز روزنامه‌های یومیه، اجازه انتشار مجله هفتگی، ماهانه و سالانه با همان نام داده شده بود. (تبصره ۵ ماده ۵) البته این قانون نیز، جایگزینی روزنامه‌های توقیف شده را با نام‌های دیگر در تبصره ماده ۲۴ منع نموده بود.

۲- دایره مجازات‌ها از توهین به شخص شاه توسعه داده شده و ملکه، ولیعهد، پدر، مادر، اولاد، برادر و خواهر او را نیز در بر گرفته بود. (ماده ۱۷)

۳- مجازات‌های توهین به شاه و بستگان وی تشدید شده بود. (همان ماده)

۴- توهین و افتراء به شخص اول روحانیت و مراجع مسلم تقلید، به عنوان جرم عمومی و بی نیاز از شاکی خصوصی تلقی و برای آن مجازات پیش بینی شده بود. (ماده

۵- برخلاف لایحه قانونی سابق که توهین و افتراء به مقامات کشوری و لشکری را به لحاظ مسئولیت‌شان جرم عمومی تلقی نموده بود، این لایحه، توهین و افتراء به هیئت وزراء یا هیئت نمایندگان یکی از مجلسین یا هیئت قضات را جرم عمومی تلقی کرده، ولی توهین و افتراء به یک وزیر یا معاون یا یکی از نمایندگان مجلسین یا یکی از قضات یا یکی از مستخدمین دولت اعم از اداری، لشکری و ... را نیازمند شکایت شاکی خصوصی دانسته بود.

در مجموع این لایحه قانونی، نسبت به لایحه قانونی قبل، از لحاظ ویژگی‌های قانون گذاری سنجیده تر و جامع تر به نظر می‌رسد، ولی درباره مجازات‌ها شدت بیشتری به خرج داده و آزادی مطبوعات را محدودتر کرده بود.

این قانون تا پیروزی انقلاب اسلامی ملاک بود و دستخوش تغییر و تحولی نگردید و شاید نیازی به تغییر و تحول هم نبود، چرا که از دولت کودتا به بعد، برخورد با مطبوعات بیش از آنکه مبتنی بر قانون باشد، متکی به قوه قهریه بود که از استناد به قانون بی‌نیاز به نظر می‌رسید.

پس از کودتای ۲۸ مرداد، بار دیگر سانسور و خفقان بر مطبوعات حکمفرما شد و کریم پورشیرازی مدیر روزنامه شورش و دکتر فاطمی مدیر روزنامه باختر امروز اعدام شدند و چنان کنترل شدیدی بر جراید و مطبوعات اعمال شد که بازتابش در شعر نیما چنین آمده است:

خشک آمد کشتگاه من، در جوار کشت همسایه

گرچه می‌گویند: می‌گیرند روی ساحل نزدیک

سوگواران در میان سوگواران

قاصد روزان ابری داروگ کی می‌رسد باران

که ایران را به دلیل نبود آزادی، به کشتزار خشک تشبیه کرده و از داروگ

(قورباغه) سراغ باران یعنی آزادی را می‌گیرد. (قاسمی، ۱۳۸۱: ۳۵)

در سال ۱۳۳۹ حمایت شاه از آیزنهاور در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و پیروزی کندهای کانیدای حزب دموکرات و اعلام دکترین او و سیاست‌های اصلاحات او در کشورهای تحت حمایت آمریکا باعث شد که شاه احساس تزلزل کند و فضای کشور از آن خفقان به درآید و نسیمی‌وزیدن گیرد و مطبوعات و فعالان سیاسی جانی بگیرند.

با حمایت آمریکایی‌ها دکتر علی امینی در ۱۳۴۰/۲/۱۶ مأمور تشکیل کابینه شد و دست به کار اصلاحاتی شد و با علماء و مراجع نیز ارتباطاتی برقرار کرد، شاه که از رهبری اصلاحات آمریکایی توسط امینی بیمناک بود در ۱۳۴۱/۱/۲۱ عازم آمریکا و در مذاکره با کنده متعهد می‌شود که خود رهبری اصلاحات را به عهده گیرد. شاه در بازگشت به ایران، امینی را زیر فشارهای گوناگون قرار داد و امینی با ملاحظه قطع مساعدت‌های آمریکا و تغییر رفتار شاه و درک شرایط، روز ۱۳۴۱/۴/۲۶ استعفا داد و شاه اسدالله علم را به نخست‌وزیری منصوب کرد که سیاست‌های ضد دینی او ناآرامی‌های سال‌های ۲-۱۳۴۱ را در پی داشت و منجر به بازداشت امام خمینی (ره) و حادثه ۱۵ خرداد گردید.

یکی از ره‌آورد‌های دولت علم، تجدید خفقان و فشار بر مطبوعات بود، به نحوی که «رسانه‌های جمعی به خصوص مطبوعات دچار سانسور شدیدتری شدند و فشار و اختناق بر کشور حاکم شد. دولت علم در ۲۰ ماه حکومتش هر جنبشی را سرکوب و هر صدای مخالف را شکسته و هر روزنامه و مجله حق گو را توقیف کرد ... و جهانگیر تفضلی وزیر مشاور و معاون تبلیغات دولت - که خود زمانی از مطبوعاتیان معروف ایران بود - به دستور شاه و علم حدود ۷۵ روزنامه و مجله را توقیف کرد» (کلک شماره ۸۴، ۱۳۷۵: ۲۱۷).

۱- زیرا با درگذشت آیت الله العظمی بروجردی، خطر واکنشی را که از ناحیه این مرجع تقلید منحصر به فرد احساس می‌کرد با تقسیم مرجعیت در قم بین چند نفر و نیز تقلید بخشی از مردم از مراجع نجف و در نتیجه خلأ رهبری واحد در حوزه، آن خطر را مرتفع شده احساس می‌کرد

در نتیجه فضایی بر مطبوعات کشور حاکم گردید که شاخصه‌های آن از سال ۱۳۴۲ تا اواسط ۱۳۵۷ را می‌توان در ویژگی‌های زیر خلاصه کرد:

- ۱- مزدوری مطبوعات و چاپلوسی دربار
- ۲- تسلط بی رقیب ساواک که گویا بسیاری از مطالب را ساواک به مطبوعات دیکته کرد.
- ۳- تشدید همه جانبه سانسور حتی بر کتاب، وعظ و خطابه
- ۴- رواج بی حد و حصر چاپلوسی از رژیم و دولتیان
- ۵- افول مطالب انتقادی حتی در طنز و مطالب تفریحی و نهایتاً در حد برخی از شهردارها .

- ۶- پرداختن به مسائل فرعی و انحراف ذهن مردم از مسائل اصلی.
- ۷- رونق روزنامه نگاری حرفه‌ای و تجارت قلم و رسیدن به مسئولیت‌های دولتی.

۸- حساسیت دولتمردان در برابر کوچکترین خرده گیری مطبوعات و مجازات آن‌ها. (قاسمی، ۱۳۸۱: ۳۶ تا ۳۹)

این فضا تا پایان حکومت خودکامه شاه ادامه یافت و روز به روز بر شدت آن افزوده می‌شد تا با درگذشت ابهام آمیز آیت الله سیدمصطفی خمینی، تلنگری بر این فضا وارد شد و از سوی دیگر سیاست حقوق بشر کارتر شرایط را برای سرکوب‌های شدید شاه دشوار کرد، ولی پس از دریافت چراغ سبز از آمریکا، شاه درصدد احیای فضای فشار بر سیاسیون و مطبوعات برآمد و سرآغاز آن مقاله‌ای بود که با عنوان ارتجاع سرخ و سیاه با نام مستعار احمد رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات ۱۳۵۶/۱۰/۱۷ به چاپ رسید که اعتراض روحانیون و سپس مردم قم را به دنبال داشت و به حادثه ۱۹ دی منجر شد (حسینیان، ۱۳۸۷: ۹۵۴) طی این مدت که تا پیروزی انقلاب اسلامی، سیزده ماه به طول انجامید یخ سانسور و فشار بر مطبوعات با شتاب ذوب شد و فضای



آزادی بر مطبوعات حکمفرما شد، به گونه‌ای که برای رژیم و ارگان‌های امنیتی و اطلاعاتی و پلیسی آن غیر قابل کنترل شده بود.

### انقلاب اسلامی و مطبوعات

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فضای باز مطبوعاتی از یک سو و فقدان ساختار حقوقی از سوی دیگر، عناصر ضد انقلاب - را که در عرصه‌های گوناگون برای پیشگیری از شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی دست به توطئه زده بودند - را به بهره‌گیری از مطبوعات و سوء استفاده از فضای باز و آزادی مطبوعات برانگیخت و گروهک‌های سیاسی با نام‌های متفاوت و با قلم لجام گسیخته، مرزهای اخلاقی و عرف سیاسی را پشت سر نهادند، این عوامل هدایت مطبوعات و مدیریت آن‌ها و جلوگیری از سوء استفاده ضد انقلاب از فضای باز سیاسی را ضرورت بخشید.

این در حالی بود که تنها ساز و کار قانونی همان لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۴ بود که با طبیعت انقلاب و آرمان‌های آن و اهدافی که توسط امام برای آن بیان شده بود سازگاری نداشت و در شأن انقلاب نبود که به استناد آن قانون که خود یکی از عرصه‌های اعتراض به رژیم شاه بود با مطبوعات رفتار نماید. بنابراین شش ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۲۵ توسط شورای انقلاب، لایحه قانونی مطبوعات طی ۴۱ ماده و ۱۸ تبصره به تصویب رسید. (مجموعه لوایح قانونی مصوب شورای انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹: ۱۵۴)

این لایحه با لایحه قانونی ۱۳۳۴ تفاوت‌های ماهوی داشت، این تفاوت‌ها عبارت بودند از:

۱- صدور مجوز از وزارت کشور به وزارت ارشاد ملی واگذار گردید که نشانگر نگاه فرهنگی به مطبوعات بود، در حالی که در لوایح پیشین با نگاه سیاسی و امنیتی به مطبوعات: دور مجوز به وزارت کشور محول شده بود. (ماده ۳)

۲- مجازاتها از جمله توهین به رهبر انقلاب و دیگر مقامات به طور غیرقابل مقایسه‌ای کاهش یافت، به گونه‌ای که توهین به شخص اوّل کشور و یا ملکه و یا ولیعهد با مجازات یک سال تا سه سال حبس تأدیبی در ماده ۱۶ قانون ۱۳۳۴ مواجه بود، ولی در مصوبه شورای انقلاب در ماده ۲۲ برای اهانت به رهبر انقلاب اسلامی تعطیلی از یک ماه تا شش ماه نشریه پیش بینی شده و توهین به بستگان او جزء دعاوی خصوصی به شمار آمده بود. (ماده ۲۲)

۳- ممنوعیت مقامات رژیم پیشین از انتشار نشریه. (تبصره ماده ۲)

۴- تکمیل اعضای هیئت نظارت بر مطبوعات به وسیله عناصر علمی و فرهنگی از حوزه و دانشگاه. (ماده ۴)

۵- جرم شناختن سانسور و پیش بینی مجازات برای آن. (ماده ۲۹)

۶- توجه به هیئت منصفه در رسیدگی به شکایات مطبوعاتی. (مواد ۳۰ تا ۳۹)

هنگامی که این لایحه قانونی مبنای رفتار دولت جمهوری اسلامی ایران با مطبوعات بود تا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسید و در اصل بیست و چهارم آن، آزادی مطبوعات در بیان مطالب به عبارت زیر مورد تصریح قرار گرفت:

اصل بیست و چهارم- نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخلّ به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند، که تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

پس از شکل‌گیری مجلس شورای اسلامی و با توجه به شرایط جنگ تحمیلی و وجود نارسایی‌ها در لایحه قانونی ۱۳۵۸، بازنگری در آن مورد توجه دولت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی قرار گرفت تا سرانجام به تصویب قانون مطبوعات در تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۲۲ در دومین دوره مجلس شورای اسلامی منجر و در تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۲۶ به تأیید شورای نگهبان هم رسید. این قانون دارای ۳۶ ماده و ۲۳ تبصره، طی ۶ فصل با این عناوین می‌باشد:

۱- تعریف مطبوعات. ۲- رسالت مطبوعات. ۳- حقوق مطبوعات. ۴- حدود مطبوعات. ۵- شرایط متقاضی و مراحل صدور پروانه. ۶- جرایم (مجموعه قوانین مجلس، بی تا: ۷-۲۲۰).

در تصویب این قانون دونکته مورد غفلت قرار گرفت: ۱- جزئیات مرتبط با هیئت منصفه و ترکیب اعضای آن ۲- حقوق روزنامه نگاران و نحوه تضمین آن. با الغای کلیه قوانین مغایر، امکان استناد به لایحه قانونی ۵۸، در بخش هیئت منصفه نیز منتفی گردید. اضافه بر این که شرایط جنگ و نیز توطئه‌ها و فتنه‌ها و سوء استفاده از مطبوعات، بی تأثیر بر متن و محتوای مواد این قانون نبود، البته این تأثیر محسوس و ناگزیر بوده است.

پس از این در ادوار بعد همواره نیاز قانون مطبوعات به بازنگری احساس می‌گردید، ولی جهت گیری‌ها به لحاظ انبساط بیشتر و یا انقباض افزونتر متفاوت بوده تا سرانجام در سال ۱۳۷۴ دو دوره چهارم مجلس توسط جمعی از نمایندگان، طرح اصلاح قانون مطبوعات جهت طی سیر تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردید، ولی به دلیل مخالفت شدید مطبوعات و حملات سنگین آنان، کنار نهاده شد و بار دیگر در دوره پنجم مجلس شورای اسلامی با توجه به فضایی که مطبوعات در دوران دوم خرداد، پدیدآورده بودند، طرح قانونی اصلاح قانون انتخابات توسط جمعی از نمایندگان تقدیم هیئت رئیسه شد که با توجه به حملات سنگین تر از قبل مطبوعات و موضع گیری دولت، چند ماه مسکوت و سپس با تغییراتی در دستور کار مجلس قرار گرفت و در نهایت در تاریخ ۷۹/۱/۳۰ تصویب و مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته و جهت اجراء به دولت ابلاغ گردید. (روزنامه رسمی - مجموعه قوانین سال ۷۹، ۱۳۸۰: ۲۶۴-۲۵۷).

در این قانون علاوه بر اصلاح مواد متعددی از قانون ۱۳۶۴، دوفصل نیز با عناوین زیر به آن افزود شد:

فصل ۷- هیئت منصفه فصل، ۸- مواد متفرقه و به این ترتیب نقص قانون ۶۴ مرتفع گردید.

در این قانون برای نخستین بار، نشریات الکترونیکی (سایت‌های شبکه بین‌المللی اینترنت) مورد توجه قرار گرفته و در تبصره ۳ ماده ۱، مواد قانون مطبوعات به آن‌ها نیز تسری داده شده است.

باتوجه به اینکه طرح قانون مطبوعات تقدیمی توسط نمایندگان در دوره ششم از سوی رهبر انقلاب مغایر با اسلام و مصالح کشور اعلام و با حکم حکومتی از دستور خارج گردید، در حال حاضر قانون حاکم بر مطبوعات، قانون ۱۳۶۴ با اصلاحات گسترده ۱۳۷۹ می‌باشد که می‌توان گفت اصلاحات انجام شده بر قانون ۱۳۶۴ در سال ۷۹، آن را به صورت قانونی جدید درآورده است. در آخرین مصوبه به تاریخ ۱۳۸۸/۹/۸ یک تبصره توسط مجلس شورای اسلامی به ماده ۱ قانون مطبوعات به عنوان تبصره ۴ افزوده شده که مواد قانون مطبوعات را بر خبرگزاری‌های داخلی هم تسری داده است ([www.Ecnews.ir](http://www.Ecnews.ir) صفحه فرهنگ).

### نتیجه‌گیری

۱- در زمینه مجموعه قوانین رسانه‌ای کشور، هم اینک قانون مطبوعات در بخش رسانه‌های مکتوب و تسری آن طی یک تبصره به سایت‌های اینترنتی و نیز تسری آن طی تبصره دیگر به خبرگزاری‌های داخلی حاکم است که اصل قانون، مصوب ۱۳۶۴ در شرایط جنگ بوده که تأثیرات خاص خود را بر قوانین مصوب آن دوران قهراً بر جای نهاده و در شرایط پس از جنگ بازنگری را می‌طلبد و اصلاحیه آن در سال ۱۳۷۹ نیز از شرایط ویژه آن زمان تأثیر پذیرفته و مقتضی است قانون مطبوعات در فضایی آرام و به دور از تنش‌های سیاسی و مطبوعاتی مورد بازنگری قرار گیرد.

۲- در بخش رسانه‌های الکترونیکی (سایت‌های اینترنتی) که در حال حاضر از مؤثرترین رسانه‌ها با ویژگی‌های خاص می‌باشند و مقررات ویژه خویش را می‌طلبند،

خلاً حقوقی و قانونی خاصی حکمفرماست و تبصره ماده قانونی مطبوعات ۷۹ موقتاً کارساز بوده، ولی در شرایط کنونی ناکافی بوده و تعریف سایت، حقوق و حدود آن- مسئولیت مدیران سایت‌ها، جرایم اینترنتی و نحوه مجازات آن‌ها نیاز به عنایت خاص قانونگذار دارد که امید است در آینده‌ای نه چندان دور محقق گردد.

۳- باتوجه به فعالیت خبرگزاری‌های متعدّد در داخل کشور با گرایش‌های گوناگون سیاسی و فعالیت در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، قرآنی و ... و تغذیه عمده مطبوعات از این خبرگزاری‌ها و کاهش گردآوری اخبار به سبک سنتی حضور خبرنگاران در مراکز خبرساز، فعالیت خبرگزاری‌ها نیاز به بازتعریف دارد و مطالعه حقوقی، حقوق و حدود، تعهدات و تخلفات و مجازات‌های خبرگزاری‌ها نیاز امروز فعالیت‌های رسانه‌ای کشور می‌باشد و تنها افزودن یک تبصره به قانون مطبوعات و تسری آن به خبرگزاری‌ها هرچند در کوتاه مدت فعالیت خبرگزاری‌ها را از بلا تکلیفی رها ساخته، ولی در درازمدت کار ویژه خبرگزاری‌ها، مقررات متناسب با ماهیت خویش را می‌طلبد که امید است مراجع ذیربط به این مهم اهتمام ورزند.

## منابع

- اداره کل تنقیح و تدوین قوانین و مقررات. (۱۳۵۹)، مجموعه لوایح قانونی مصوب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، تهران: مجلس شورای اسلامی.
- اداره کل قوانین. (۱۳۶۳)، مجموعه قوانین اولین دوره قانونگذاری مجلس شورای اسلامی، تهران: مجلس شورای اسلامی.
- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی. (بی تا)، مجموعه قوانین دومین دوره مجلس شورای اسلامی، تهران: اداره انتشارات و تبلیغات مجلس.

- روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۷۱)، مجموعه قوانین سال ۱۳۷۰، تهران: شرکت سهامی روزنامه رسمی.
- اسماعیلی، محسن. (۱۳۸۲)، قانون مطبوعات و سیر تحوّل آن در حقوق ایران، تهران، سروش.
- برزین، مسعود. (۱۳۷۰)، تجزیه و تحلیل آماری مطبوعات ایران، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۵۷)، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- ترکمان، محمد. (۱۳۶۳)، مکتوبات اعلامیه‌ها و چند گزارش پیرامون نقش شیخ فضل الله نوری در مشروطیت، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- حسینیان، روح الله. (۱۳۸۷)، چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حسینیان، روح الله. (۱۳۸۷)، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حسینیان، روح الله. (۱۳۸۷)، سه سال ستیز مرجعیت شیعه در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ذاکر حسین، عبدالرحیم. (۱۳۶۸)، مطبوعات سیاسی در عصر مشروطیت، تهران: دانشگاه علامه.
- روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۰)، مجموعه قوانین سال ۱۳۷۹، تهران: روزنامه رسمی کشور.
- فصیحی شیرازی، حسن. (۱۳۴۲)، قانون اساسی و متمم و ضمائم آن، تهران: سازمان مستقل چاپخانه دولتی.

- قسمت قوانین. (بی تا)، مجموعه قوانین بیست و یکمین دوره قانونگذاری مجلس شورای ملی ج ۹، تهران: چاپخانه مجلس.
- قاسمی، طهمورث. (۱۳۸۱)، نهضت امام خمینی و مطبوعات، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قاسمی، فرید. (۱۳۷۲)، نخستین کوشش، تهران: خانه مطبوعات.
- قاضی زاده، علی اکبر. صد سال قانون مطبوعات از قاجار تا پهلوی، فصلنامه رسانه، شماره ۲۲.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با آخرین اصلاحات. (۱۳۸۶)، قم: نشر جمال.
- محیط طباطبایی، محمد. (۱۳۷۵)، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران: بعثت.
- کسروی، احمد. (۱۳۴۴)، تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر.
- کلک. (۱۳۷۵)، ویژه نامه مطبوعات ایران، شماره ۸۴.
- مجلس شورای ملی. (بی تا)، مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره تقدینیه (اول-دوم-سوم-چهارم)، تهران: مطبعة مجلس.
- مجلس شورای ملی (بی تا)، فهرست قسمت نهم مصوبات کمیسیونهای مشترک مجلسین دوره هجدهم قانونگذاری، تهران: اداره مطبوعات و اطلاعات مجلس.
- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۷۹)، وسائل ارتباط جمعی، تهران: دانشگاه علامه.
- صفحه فرهنگ [www.Ecnews.ir](http://www.Ecnews.ir)